

سازمان‌یافتگی پارادایم‌گونه هویت دینی و مدرن در هویت نسل جوان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳ ۱/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۵

امیرحسین کمیجانی^۱

محمدعلی مظاهری^۲

جواد حاتمی^۳

امید شکری^۴

پگاه نجات^۵

چکیده

مقدمه: هدف این مطالعه بررسی چگونگی سازمان‌یافتگی هویت دینی و هویت مدرن در نسل جوان است.

روش: نمونه پژوهش مشتمل بر ۶۰ دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های مقیاس دینداری (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۹)، پرسشنامه جهت‌گیری سکولاریستی (مرجانی، ۱۳۷۹)، پرسشنامه هویت مدرن (حاتمی، ۱۳۹۰) و پرسشنامه سنجش عینی هویت من (EOM-EIS2؛ بنیون و آدامز، ۱۹۸۹) بود. داده‌ها با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در فرزندان، تعامل هویت مدرن با هر یک از ابعاد باور دینی، وظایف دینی و جهت‌گیری سکولاریستی، پیش‌بین هویت‌یافتگی عقیدتی بود. همچنین بعد عواطف دینی به تنهایی پیش‌بین هویت‌یافتگی بود.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که بعد عواطف دینی (اخلاقیات) به شکل سازگاران با هویت مدرن منجر به هویت‌یافتگی می‌شود، اما ابعاد دیگر هویت دینی به شکلی ناسازگارانه با هویت مدرن منجر به هویت‌یافتگی می‌شود. هویت جوانان به سمت سازمان‌یافتگی جدیدی تحت عنوان هویت پارادایم‌گونه در حال حرکت است.

کلیدواژه‌گان: هویت دینی، هویت مدرن، سازمان‌یافتگی هویت، نسل جوان، هویت پارادایم‌گونه

۱ نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی
amir.komijan@gmail.com

۲ استاد دانشگاه شهید بهشتی

۳ استادیار دانشگاه تهران

۴ استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۵ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

Paradigm-like organization of religious and modern identities in the young generation's identity

Komijani, A. H.
Mazaheri, M. A.
Hatami, J.
Shokri, O.
Nejat, P.

Abstract

Introduction: The coexistence of religious identity and modern identity in the young generation has influenced the organization of their identity . The aim of this study is to examine the organization of religious identity and modern identity in the young generation.

Method: The sample comprised of 60 student of shahid beheshti university which were selected using the non-probability convenience method of sampling. Research materials consisted of Religiosity Scale (Khodayarifard, 1389), Secularist Orientation Questionnaire (Marjani, 1379), Modern Identity Questionnaire (Hatami, 1390) and Extended Objective Measure of Ego Identity Scale (EOM-EIS2; Bennion & Adams, 1989). Statistical methods of hierarchical regression were used for data analysis.

Results: According to results, interaction of modern identity with each of the dimensions religious belief, religious obligations, and secularist orientation predicted ideological identity achievement. Also the religious emotions dimension alone was a predictor of identity achievement.

Results suggest that the religious emotions (morality) dimension in consistence with modern identity leads to identity achievement, whereas other dimentions of religious identity leads to identity achievement in an inconsistent manner with modern identity.

Keywords: religious identity, modern identity, identity organization , young generation, Paradigm-like identity.

مقدمه

هویت، از مفاهیم بسیار پیچیده‌ای است که در علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، منطق، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و عرفان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر یک از رشته‌های علمی با توجه به خاستگاه موضوع، اهداف و زمینه‌های مطالعاتی، سطح تحلیل و ابزار تحقیق و پژوهش، به وجهی از آن توجه بیشتری دارند (صنیع اجلال، ۱۳۸۴). به علت گستردگی مفهوم هویت، تعاریف و دسته‌بندی‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در این میان، روان‌شناسان اجتماعی در تعریف هویت معمولاً به بازنمایی‌های خودپنداره اشاره می‌کنند که در تعریف خود استفاده می‌شود. بنابراین دو هویت را مطرح می‌کنند، هویت شخصی که شامل جنبه‌هایی از خودپنداره است که ویژگی‌های مخصوص به خود شخص را شامل می‌شود و هویت اجتماعی عبارت است از جنبه‌های خودپنداره که بر مبنای عضویت در گروه تعریف می‌شوند و معرف ماهیت و موقعیت اجتماعی است (تاجفل^۱، ۱۹۷۵؛ اندرو، آنتونی، برودر و لی^۲، ۲۰۱۱).

این تعریف از هویت لزوماً تعریف پایداری نیست و ممکن است در تعامل با موقعیت تغییر کند (کان، کاراساوا و کیتایاما^۳، ۲۰۰۹). بنابراین میزان بستگی ما به هویت، مبتنی بر موقعیت است. به این اعتبار روان‌شناسان اجتماعی با در نظر گرفتن فرهنگ بر متغیر بودن خویشتن یا هویت تأکید می‌ورزند. هویت در تعامل با شرایط اجتماعی مدام در حال ساخته شدن است (تاجفل، ۱۹۷۵). به این معنا در هر فرهنگی سبک زندگی خاصی وجود دارد که بر الگوی سازش یافتگی فرد بر محیط تأثیر می‌گذارد. این تأثیرگذاری می‌تواند در فرآیندهای تعیین‌کننده‌ای چون شناخت، هیجان و انگیزش خود را نشان دهد. تأثیر فرهنگ بر خود و هویت را می‌توان در مطالعات بین‌فرهنگی به روشنی مشاهده کرد (بری و مارشال^۴، ۲۰۰۲). فرهنگ نه تنها بر الگوی سازش‌یافتگی فرد بر محیط تأثیر می‌گذارد، بلکه از این طریق در هویت و سازماندهی شخصیت نیز ممکن است تغییر ایجاد کند (حاتمی، ۱۳۸۸).

بنابراین، فرهنگ حاکم بر جامعه می‌تواند در شکل‌گیری و سازمان‌یافتگی هویت مؤثر باشد. شکل‌گیری هویت‌های جمعی مختلف در جوامع متفاوت مؤید این امر است. مسئله هویت و فرهنگ در جامعه ایران در چند دهه اخیر به شکلهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از رایج‌ترین الگوهای تقسیم‌بندی هویت جمعی در ایران، تقسیم‌بندی آن به سه هویت ملی، مذهبی و مدرن (لطف آبادی، ۱۳۸۳؛ سروش، ۱۳۸۳؛ شایگان، ۱۳۹۲) است. در ایران فضای روان‌شناختی حاکم بر فرد ایرانی شامل گرایش‌های ملی و مذهبی است که در شکل‌گیری هویت ملی و مذهبی تأثیرگذار است. اما با ورود مظاهر تمدن جدید غرب و سبک زندگی وابسته به آن گرایش‌های غربی و

1 - Tajfel

2 - Andrew, Antony, Bruder & Lee

3 - Kan, Karasava & Kitayama

4 - Brrry & Marshall

مدرن نیز اضافه شده است و این گرایش‌ها جدید منجر به شکل‌گیری هویت جدیدی به نام هویت مدرن شده است که با ویژگی‌های ماتریالیستی و گرایش به فردگرایی و استقلال، ناهمخوانی‌هایی را با دو هویت ملی و مذهبی گذشته دارد. به عبارت دیگر مفهوم مدرنیته همراه با مفاهیمی همچون حق‌محوری، عقلانیت ابزاری، نگاه ابزاری و استخدام‌گرایانه به جهان، معترض بودن، انتقاد، شکاکیت و آزادی (دموکراسی)، نسبی‌گرایی و انسان‌محوری است و به اعتقاد برخی از اندیشمندان در تضاد با برخی از مفاهیم در دین اسلام است؛ مفاهیمی همچون تکلیف‌محوری، ایمان، مطلق‌گرایی و خدامحوری (شجاعی زند، ۱۳۸۶؛ سروش، ۱۳۸۳؛ احمدی، ۱۳۸۶).

ورود هویت مدرن به سازمان‌یافتگی هویت نسل جوان ایرانی، باعث شکل‌گیری نوعی آشفتگی و بحران هویت در میان نسل جوان ایرانی شده است. چرا که هویت جوان ایرانی تحت تأثیر مفاهیم و ارزش‌های دو جهان‌بینی متفاوت دینی و غربی قرار گرفته و ورود هویت مدرن و سبک زندگی همراه با آن به سازمان‌یافتگی هویت جوانان ایرانی باعث شده است که در رفتارها و اعتقادات دینی جوانان نسل جدید تغییرات زیادی ایجاد شود، که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان مخالف و معارض با اعتقادات دینی می‌باشد (شجاعی زند، ۱۳۸۶). این باور در بین اندیشمندان غربی نیز وجود دارد (هیدن^۱، ۱۹۸۷؛ وودهد و هیلاس^۲، ۲۰۰۰). به همین جهت تعداد زیادی پژوهش در خصوص میزان دینداری جوانان در سراسر کشور ایران انجام شده است (کاظمی، ۱۳۸۸) و نتایج اکثر این تحقیقات نشان داده که جوانان ایرانی نسبت به نسل گذشته در میزان دینداری افت داشته‌اند (کاظمی، ۱۳۸۸).

همان‌طور که تحقیقات (فستینگر^۳، ۱۹۷۵؛ خن‌فیه و سیتانگیر^۴، ۲۰۰۴) نشان می‌دهد به دلیل نیاز ذهن به تعادل، انسان نمی‌تواند در حالت عدم تعادل باقی بماند و باید از حالت عدم تعادل و ناهماهنگی به سمت تعادل و هماهنگی حرکت کند. در واقع در همه تحقیقات فرض شده که ساختار شخصیت جهت رسیدن به تعادل دارای یک سازمان‌یافتگی است (آرونسون، ۱۹۸۲؛ به نقل از حاتمی، ۱۳۹۰).

بر همین اساس دو فرض اصلی نسبت به سازمان‌یافتگی شخصیت برای رسیدن به تعادل و هماهنگی در جامعه ایران وجود دارد: ۱- سازمان‌یافتگی یا ساختار سلسله‌مراتبی و متحدالمرکز که در این ساختار همزیستی همزمان بین هویت‌های ناهمخوان وجود ندارد. در این سازمان‌یافتگی شخصیت هر فرد بر اساس ویژگی مهم و کلی‌اش تعیین می‌شود و سایر ویژگی‌های او تابع ویژگی اصلی است (حاتمی، ۱۳۸۸) و نوعی انسجام و عدم تناقض بین ابعاد مختلف هویت فرد دیده می‌شود و فرد تحت تأثیر بافت و نظر دیگران شناخته‌ها و الگوهای رفتاری خود را تغییر نمی‌دهد. تغییر و پویایی در این الگوی هویتی دیده نمی‌شود و این الگوی هویتی از نوعی ثبات و عدم تغییر برخوردار

1 - Hadden

2 - Woodhead & Heelas

3 - Festinger

4 - Khanafiah & Situngkir

است. فرد در این الگوی هویتی مطلق‌گرا است. باکوبزا^۱ (۲۰۰۶) از این هویت تحت عنوان هویت سنگ‌گونه^۲ یاد می‌کند. مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که سازمان‌یافتگی شخصیت نسل بزرگسال جامعه ایران بیشتر شبیه به ساختار سلسله‌مراتبی است و ویژگی مذهبی بودن محور اصلی این ساختار متحدالمرکز را تشکیل می‌دهد. ۲- ساختار و سازمان‌یافتگی موزاییکی (بندیکت^۳، ۱۹۸۹) یا آفتاب‌پرست‌گونه^۴ (باکوبزا، ۲۰۰۶). در شخصیت موزاییکی نمی‌توان دآوری کلی در مورد یک شخص انجام داد. رفتار او از یک نظام منسجم که یک روح کلی بر آن حاکم است، تبعیت نمی‌کند. در واقع هویت این افراد پر از تناقض و عدم ناسازگاری بین عناصر هویتی می‌باشد. پویایی و تغییر در محتوا و ساخت، چندگانگی، بافت‌وابسته و دیگروابسته از مشخصات این هویت است. این افراد متناسب با موقعیتهای مختلف، رفتارهای گوناگونی از خود نشان می‌دهند. این افراد اعتقادی به یک سبک زندگی واحد و مطلق ندارند و معتقدند حقیقت نسبی است و اصل نسبیت را در تمامی امور زندگی سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. از آنجا که در نسل جوان ایرانی هویت مدرن در کنار هویت دینی جایگاه خاصی پیدا کرده است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۳؛ حاتمی، ۱۳۹۰)، لذا برخی معتقدند هویت نسل جدید ایرانی به سمت سازمان‌یافتگی موزاییکی در حال حرکت است (شایگان، ۱۳۹۲؛ حاتمی، ۱۳۹۰) و برای مثال شاهد مدعی خود را رشد همزمان هر سه هویت دینی، مدرن و ملی در نسل جوان می‌دانند (حاتمی، ۱۳۹۰).

فرض سومی که محقق بر اساس نظریات باکوبزا (۲۰۰۶) مطرح می‌کند، هویت پارادایم‌گونه^۵ است. این الگوی هویتی چیزی است بین هویت سنگ‌گونه و آفتاب‌پرست‌گونه. در این الگو فرد اعتقاد به نوعی ثبات و یکپارچگی و یکتایی دارد، اما تغییرات و تناقضات را نیز می‌پذیرد و از آن واژه ندارد و سعی می‌کند تمامی تغییرات را زیر یک پارادایم و روایت واحد، منسجم و یکتا قرار دهد. این افراد اطلاعات و داده‌های متناقض را نادیده نمی‌گیرند و مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان دارای یک ساختار ثابت هویتی هستند، اما تغییرات را نادیده نمی‌گیرند و از پویایی نسبی برخوردارند. در واقع آنان سعی دارند تمامی تناقضات و تغییرات را توسط یک پارادایم وحدت‌بخش و یک فراساختار به وحدت برسانند و با یکدیگر آشتی دهند. آنان بافت و نظرات دیگران را نادیده نگرفته و مورد ارزیابی قرار می‌دهند و نظرات دیگران را تصدیق می‌کنند، اما رفتار و نظر نهایی آنها وابسته به دیگران و بافت نیست. این افراد دارای یک الگوی مشخص و باثبات رفتاری هستند. این الگو هم شباهتهایی را با هویت سنگ‌گونه دارد و هم به هویت آفتاب‌پرست‌گونه بی‌شباهت نیست. ساختار این هویت شبیه یک عمارت ساختمانی است که از عناصر متفاوت و ناسازگاری تشکیل شده است،

1 - Bukobza
2 - rock-like identity
3 - Benedict
4 - chameleon-like identity
5 - paradigm-like structure

اما این عناصر در عین ناسازگاری به یکدیگر در قالب یک ساختمان واحد متصل شده‌اند (باکوبز، ۲۰۰۶).

با توجه به اینکه دین از بخش‌های اصلی هویت جوانان ایرانی است، بررسی اینکه چه الگویی از دینداری در ارتباط با هویت مدرن افراد منجر به سازگاری می‌شود، حائز اهمیت است. در این پژوهش، این سازگاری از طریق رسیدن به منزلت هویتی «هویت‌یافتگی» بررسی می‌شود. بر اساس نظریه مارسیا چهار منزلت هویتی در بین جوانان مشاهده می‌شود که با استفاده از دو ملاک «تجربه‌ی بحران» و «تعهد» از هم متمایز می‌شوند. این چهار منزلت هویتی عبارتند از: سردرگمی (فاقد تجربه بحران و فاقد تعهد) و هویت‌یافتگی (دارای تجربه بحران و دارای تعهد) دنباله‌روی (فاقد تجربه بحران و دارای تعهد) و در حال هویت‌یابی (دارای تجربه بحران و فاقد تعهد). تحقیقات نشان داده است منزلت هویت‌یافتگی یکی از شاخص‌های اصلی سازگاری روان‌شناختی است (یو، ۲۰۰۵؛ به نقل از رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۰).

هر چند تقابل دین و مدرنیته در ایران در حیطه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه مورد بررسی قرار گرفته (سروش، ۱۳۸۳)، اما در حیطه روان‌شناسی مطالعات اندکی صورت گرفته است. اهمیت بررسی این مطالعه در حیطه روان‌شناسی وقتی آشکارتر می‌شود که متوجه این مسئله شویم که نسل جدید ایرانی برای ایجاد سازگاری بین دو هویت دینی و مدرن خود دچار تغییراتی در سازمان‌یافتگی هویت خود شده است. بنابراین هدف از این مطالعه پس از بررسی سبک هویتی غالب نمونه مورد مطالعه، بررسی تعامل ابعاد هویت دینی با سبک زندگی مدرن در متن پیش‌بینی منزلت‌های هویتی جوانان است تا مشخص شود جهت دست‌یابی به هویت‌یافتگی الگوی تعاملی هر کدام از ابعاد هویت دینی با سبک زندگی مدرن در جوانان چگونه باید باشد. در پیش‌بینی هویت‌یافتگی، کدام ابعاد هویت دینی سازگاری بیشتری با هویت مدرن دارند و در نهایت آیا سازمان‌یافتگی هویت نسل جوان برای رسیدن به هویت‌یافتگی تغییر کرده است یا خیر؟

روش پژوهش

جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۹۲ بود که ۶۰ نفر از آنها (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۲۴ سال با میانگین ۲۰/۷۷ سال و انحراف استاندارد ۱/۱۵ سال بود.

ابزار پژوهش

– **مقیاس دینداری خدایاری فرد (۱۳۸۹) – فرم اقشار مختلف:** این مقیاس دارای ۱۰۲ سؤال است که دینداری افراد را می‌سنجد و متشکل از سه مؤلفه باور دینی، وظیفه دینی و عواطف دینی می‌باشد. این آزمون توسط خدایاری فرد (۱۳۸۹) ساخته شده و مورد استفاده قرار

گرفته است. آزمودنی باید پاسخهای خود را در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت که در برخی سؤالات از هرگز (با نمره یک) شروع شده و به همیشه (نمره شش) ختم می‌شود و در برخی سؤالات با زیاد مخالفم (نمره یک) شروع شده و با زیاد موافقم (نمره شش) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از چرخش واریماکس و روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که هشت عامل متمایز وجود دارد. تعداد مؤلفه‌های اصلی استخراج شده و نیز محتوای آنها با ساختار نظری دینداری هماهنگ و بیانگر روایی سازه مناسب پرسشنامه بود. اندازه‌گیری روایی ملاکی مقیاس سنجش دینداری به کمک روش همزمان و با استفاده از پرسشنامه آذربایجانی (۱۳۸۲) و رحیمی‌نژاد (۱۳۸۰) که روایی و اعتبار مناسبی دارند انجام گرفت. تحلیل ضرایب همبستگی چندگانه مقیاسهای فرعی آنها نشان داد که بین مؤلفه‌های هشت‌گانه پرسشنامه خدایاری و مؤلفه‌های پرسشنامه‌های ذکر شده همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد. پایایی کل پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به دست آمد.

– **پرسشنامه جهت‌گیری سکولاریستی و بنیادگرایی مرجائی (۱۳۷۹):** این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه می‌باشد و جهت‌گیریهای سکولاریستی و بنیادگرایی دینداری افراد را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای چهار خرده‌مقیاس دین و سیاست با آلفای ۰/۸۹، دین و دنیا با آلفای ۰/۶۰، دین و علما با آلفای ۰/۶۱ و کثرت‌گرایی دینی با آلفای ۰/۵۹ می‌باشد. آزمودنی باید پاسخهای خود را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت که با کاملاً مخالفم (نمره یک) شروع شده و با کاملاً موافقم (نمره پنج) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. نمره بالاتر فرد در این پرسشنامه نشان‌دهنده جهت‌گیری ضدسکولاریستی و بنیادگرایی بیشتر اوست.

– **پرسشنامه هویت مدرن حاتمی (۱۳۹۰):** این پرسشنامه شامل ۳۱ سؤال است و هویت مدرن افراد (پایبندی افراد به سبک زندگی مدرن) را می‌سنجد و دارای پنج خرده‌مقیاس می‌باشد که شامل لیبرالیسم و دموکراسی‌خواهی با آلفای ۰/۸۴، خردگرایی و حذف نیروهای متافیزیکی با آلفای ۰/۸۶، گسترش تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی مدرن با آلفای ۰/۸۳، تجربه زندگی شهری با آلفای ۰/۸۱ و جهانی شدن با آلفای ۰/۸۵ می‌باشد. آزمودنی باید پاسخهای خود را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت که با کاملاً مخالفم (نمره یک) شروع شده و با کاملاً موافقم (نمره پنج) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. روایی و پایایی این مقیاس پس از اجرا روی ۷۵۳ شرکت‌کننده بررسی و تعیین شده است. پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شده است (حاتمی، ۱۳۹۰).

– **پرسشنامه سنجش عینی هویت من^۱ بنیون و آدامز (۱۹۸۹):** این پرسشنامه دارای دو بخش است و هر فرد نمره جداگانه‌ای در هر بخش کسب می‌کند که البته این ده نمره قابل جمع نیز می‌باشد. در بخش عقیدتی چهار محتوای شغل، سیاست، فلسفه زندگی و مذهب را با

1 – Extended Objective Measure of Ego Identity Scale (EOM-EIS2)

مجموع ۳۲ سؤال شامل می‌شود. در بخش هویت بین‌شخصی نیز چهار حیطه نقش جنسی، انتخاب دوست، تفریح و وعده با جنس مخالف در نظر گرفته شده است. تعداد سؤالات این بخش نیز مانند بخش عقیدتی ۳۲ سؤال و در کل پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد که آزمودنی باید پاسخهای خود را در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت که با زیاد مخالفم (نمره یک) شروع شده و با زیاد موافقم (نمره شش) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. این پرسشنامه توسط رحیمی‌نژاد (۱۳۸۰) بومی‌سازی و هنجاریابی شده است. در مطالعه پایایی پرسشنامه سنجش عینی هویت من در ایران با اجرای آن روی ۴۳۸ نفر از دانشجویان زن و مرد آلفای کرونباخ در مقیاسهای هویت عقیدتی و هویت بین‌شخصی از ۰/۵۹ تا ۰/۸۱ متغیر بود. نتایج به دست‌آمده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ توسط بنیون و آدامز (۱۹۸۹) در همان مقیاسها از ۰/۶۲ تا ۰/۷۵ گزارش شده است که با نتایج پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۸۰) همخوان است. برای بررسی روایی سازه مقیاسهای این پرسشنامه از روایی همگرا- واگرا و نیز تحلیل عاملی استفاده شده است. روایی همگرا- واگرا با تشکیل ماتریس همبستگی مقیاسهای هویت عقیدتی و هویت بین‌شخصی در چهار منزلت هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته محاسبه شده است. همبستگی به دست آمده در منزلتهای هویتی مشابه در هویت عقیدتی و بین‌شخصی جهت سنجش روایی همگرا بین ۰/۴۲ تا ۰/۶۵ بود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۰).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: فراوانی سبکهای هویتی عقیدتی و بین‌شخصی فرزندان

سبک هویتی عقیدتی	فراوانی	سبک هویتی بین‌شخصی	فراوانی
سردرگم	۱	سردرگم	۲
دنباله‌رو	۱	دنباله‌رو	۵
بحران‌زده	۹	بحران‌زده	۶
هویت‌یافته	۴۸	هویت‌یافته	۴۶
کل	۵۹	کل	۵۹

چنانچه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود در هر دو سبک هویتی (عقیدتی و بین‌شخصی)، تعداد افرادی که دارای سبک هویتی هویت‌یافته هستند، نسبت به سه گروه دیگر به میزان قابل توجهی بیشتر است.

به منظور بررسی پیش‌بینی هویت من افراد توسط تعامل ابعاد هویت دینی (باور، وظایف، جهت-گیری سکولار و عواطف) و هویت مدرن (سبک زندگی مدرن) فرزندان، آزمون رگرسیون اجرا شده که نتایج آن به ترتیب در جداول شماره ۱ تا ۴ ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل‌های رگرسیون گام‌به‌گام روی متغیرهای ملاک هویت من با متغیرهای پیش‌بین باور دینی، هویت مدرن و تعامل این دو									
ترتیب ورود	پیش‌بین	هویت من عقیدتی				هویت من بین فردی			
		سردرگم	دنباله‌رو	بهران زده	هویت یافته	سردرگم	دنباله‌رو	بهران زده	
گام اول	باور دینی	-۰/۳۱	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۱	-۰/۴۶**	۰/۲۵	-۰/۱۶	۰/۱۳
	هویت مدرن	۰/۰۱	-۰/۳۴*	-۰/۱۰	۰/۲۶	-۰/۲۸	-۰/۲۶	-۰/۲۳	۰/۲۰
گام دوم	باور دینی	-۰/۳۵	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۲۵	-۰/۶۸**	۰/۲۵	-۰/۳۰	۰/۴۳*
	هویت مدرن	۰/۰۰	-۰/۳۷*	-۰/۱۳	۰/۳۰	-۰/۳۱*	-۰/۲۶	-۰/۲۵	۰/۲۵
	باور×هویت مدرن	۰/۰۷	-۰/۲۵	-۰/۲۸	-۰/۳۸*	۰/۲۶*	۰/۰۰	۰/۲۳	-۰/۴۸**

* $p < 0.05$ ، ** $p < 0.01$

بر اساس نتایج جدول ۲، تعامل باور دینی و هویت مدرن پیش‌بین معنی‌داری برای هویت-یافتگی عقیدتی و بین‌شخصی است. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد، همبستگی بین باور دینی و هویت‌یافتگی عقیدتی در گروه دارای هویت مدرن پایین ($R = 0.065$ ، $p = 0.75$) و گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($R = -0.19$ ، $p = 0.37$). همچنین تعامل باور دینی و هویت مدرن پیش-بین معنی‌داری برای سردرگمی بین‌شخصی بود. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد، همبستگی بین باور دینی و سردرگمی بین‌شخصی در گروه دارای هویت مدرن پایین، منفی معنی‌دار است ($R = 0.18$ ، $p = 0.45$) و در گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($R = -0.09$ ، $p = 0.669$). به دیگر بیان، رابطه باور دینی و سردرگمی بین‌شخصی در گروه مدرن پایین منفی‌تر از گروه مدرن بالا است.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل‌های رگرسیون گام‌به‌گام روی متغیرهای ملاک هویت من با متغیرهای پیش‌بین وظایف دینی، هویت مدرن و تعامل این دو								
ترتیب ورود	پیش‌بین	هویت من عقیدتی				هویت من بین‌فردی		
		سر درگم	دنباله‌رو	تکران‌زده	هویت‌یافته	سر درگم	دنباله‌رو	تکران‌زده
گام اول	وظایف‌دینی	۰/۴۸***	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۳۷*	۰/۳۰	۰/۳۰
	هویت مدرن	۰/۱۱	۰/۲۸*	۰/۰۸	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۰
گام دوم	وظایف‌دینی	۰/۵۰***	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۳۸*	۰/۲۶	۰/۳۵*
	هویت مدرن	۰/۱۱	۰/۲۹*	۰/۹۴	۰/۳۵*	۰/۲۵	۰/۱۴	۰/۳۱
	وظایف ×هویت مدرن	۰/۰۹	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۳۰*	۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۲۶*

* $p < 0.05$ ، ** $p < 0.01$

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تعامل وظایف دینی و هویت مدرن پیش‌بین معنی‌داری برای هویت‌یافتگی عقیدتی و بین‌شخصی است. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد همبستگی بین وظایف دینی و هویت‌یافتگی عقیدتی در گروه دارای هویت مدرن پایین ($p = 0.077$ ، $R = 0.33$) و گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($p = 0.524$ ، $R = -0.13$). همچنین همبستگی بین وظایف دینی و هویت‌یافتگی بین‌شخصی در گروه دارای هویت مدرن پایین ($p = 0.068$ ، $R = 0.34$) و گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($p = 0.582$ ، $R = -0.12$).

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل‌های رگرسیون گام‌به‌گام روی متغیرهای ملاک هویت من با متغیرهای پیش‌بین عواطف دینی، هویت مدرن و تعامل این دو								
رتبه‌بندی ورود	پیش‌بین	هویت من عقیدتی			هویت من بین‌فردی			هویت یافته
		سردرگم	دنباله‌رو	تجزیه زده	سردرگم	دنباله‌رو	تجزیه زده	
گام اول	عواطف دینی	۰/۴۱**	-۰/۲۵	-۰/۳۴	۰/۴۶**	-	-۰/۳۳	۰/۴۹**
	هویت مدرن	۰/۲۳	-	-۰/۱۴	۰/۱۸	-	۰/۱۰*	۰/۰۵
گام دوم	عواطف دینی	۰/۴۱**	-	-۰/۳۴	۰/۴۷**	-	-۰/۳۳	۰/۴۹**
	هویت مدرن	۰/۲۷*	-	-۰/۳۴*	۰/۱۹	-	۰/۰۶*	۰/۰۴
	عواطف × هویت مدرن	-	-۰/۱۴	-۰/۹۴	-۰/۰۳	-	-۰/۱۱	۰/۰۳

* $p < 0.05$ ، ** $p < 0.01$

بر اساس نتایج جدول ۴، تعامل عواطف دینی با هویت مدرن پیش‌بین معنی‌داری برای هیچ‌کدام از سبک‌های هویتی نیست. این بعد هویت دینی به تنهایی پیش‌بین منفی معنی‌داری برای سبک سردرگم عقیدتی و بین‌شخصی و پیش‌بین مثبت معنی‌داری برای سبک هویت‌یافتگی عقیدتی و بین‌شخصی می‌باشد. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که همبستگی بین عواطف دینی و سردرگمی عقیدتی در گروه دارای هویت مدرن پایین معنی‌دار نیست ($p = 0.52$ ، $R = -0.36$)، در گروه هویت مدرن بالا منفی معنی‌دار است ($p = 0.04$ ، $R = -0.41$). همبستگی بین عواطف دینی و سردرگمی بین‌شخصی هم در گروه دارای هویت مدرن پایین ($p = 0.06$ ، $R = -0.50$)، و هم در گروه هویت مدرن بالا منفی معنی‌دار است ($p = 0.33$ ، $R = -0.43$). همبستگی بین عواطف دینی و هویت‌یافتگی عقیدتی هم در گروه دارای هویت مدرن پایین ($p = 0.01$ ، $R = 0.57$)، و هم در گروه هویت مدرن بالا مثبت معنی‌دار است ($p = 0.14$ ، $R = 0.48$). همبستگی بین عواطف دینی و هویت‌یافتگی بین‌شخصی هم در گروه دارای هویت مدرن پایین ($p = 0.11$ ، $R = 0.47$)، و هم در گروه هویت مدرن بالا مثبت معنی‌دار است ($p = 0.07$ ، $R = 0.53$).

جدول ۵: خلاصه نتایج تحلیل‌های رگرسیون گام‌به‌گام روی متغیرهای ملاک هویت من با متغیرهای پیش‌بین جهت‌گیری سکولار، هویت مدرن و تعامل این دو									
ترتیب ورود	پیش‌بین	هویت من عقیدتی				هویت من بین‌فردی			
		سر در گم	دنباله‌رو	بجران‌زده	هویت یافته	سر در گم	دنباله‌رو	بجران‌زده	هویت یافته
گام اول	جهت‌گیری - سکولار	-۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۱۵	-۰/۰۵	-۰/۴۷	۰/۴۲	-۰/۰۴	۰/۳۹
	هویت مدرن	-۰/۱۸	-۰/۱۳	-۰/۰۳	۰/۲۵	-۰/۴۲	-۰/۰۳	-۰/۱۸	۰/۴۷
گام دوم	جهت‌گیری - سکولار	-۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۱۵	-۰/۰۷	-۰/۴۶	۰/۴۳	-۰/۰۴	۰/۳۷
	هویت مدرن	-۰/۱۴	-۰/۰۴	-۰/۰۲	۰/۱۸	-۰/۳۹	۰/۰۱	-۰/۱۶	۰/۴۲
	جهت‌گیری - سکولار × هویت مدرن	۰/۲۲	-۰/۴۳**	۰/۰۵	-۰/۳۵*	۰/۱۳	۰/۲۰	۰/۰۵	-۰/۲۷*

* $p < 0.05$ ، ** $p < 0.01$

بر اساس مندرجات جدول ۵، تعامل جهت‌گیری سکولار و هویت مدرن پیش‌بین مثبت معنی‌داری برای دنباله‌روی عقیدتی است. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد در حالیکه همبستگی بین جهت‌گیری سکولاریستی و دنباله‌روی عقیدتی در گروه دارای هویت مدرن پایین معنی‌دار نیست ($R = 0.24$ ، $p = 0.906$)، در گروه هویت مدرن بالا مثبت معنی‌دار است ($R = 0.73$ ، $p = 0.000$)، همچنین، تعامل جهت‌گیری سکولار و هویت مدرن پیش‌بین معنی‌داری برای سر در گمی عقیدتی و بین‌شخصی است. بررسی همبستگی‌ها نشان می‌دهد همبستگی بین جهت‌گیری سکولاریستی و هویت‌یافتگی عقیدتی در گروه دارای هویت مدرن پایین ($R = 0.21$ ، $p = 0.296$) و گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($R = -0.35$ ، $p = 0.088$). به علاوه، همبستگی بین جهت‌گیری سکولاریستی و هویت‌یافتگی بین‌شخصی در گروه دارای هویت مدرن پایین ($R = 0.235$ ، $p = 0.24$) و گروه هویت مدرن بالا معنی‌دار نیست ($R = -0.21$ ، $p = 0.317$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوه پیش‌بینی شدن هویت من عقیدتی و هویت من بین‌شخصی توسط هویت مدرن، هویت دینی و تعامل این دو انجام شد. به عبارت دیگر، در این پژوهش نحوه سازمان‌یافتگی هویت نسل جوان جهت ایجاد تعادل بین هویت دینی و هویت مدرن و رسیدن به هویت‌یافتگی مورد بررسی قرار گرفت. قبل از ارائه نتایج و بحث ذکر این نکته لازم می‌نماید که تا جایی که محقق بررسی نموده است تحقیقات اندکی به بررسی نقش هویت دینی و هویت مدرن در بستر سازمان‌یافتگی هویت نسل جوان ایرانی پرداخته‌اند. لذا به دلیل اندک بودن تحقیقات در این حوزه در این قسمت به مقایسه‌های کمتری بین نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگر اشاره شده است. نتایج نشان داد، الگویی تکراری در سه بعد باور، وظایف و جهت‌گیری سکولاریستی وجود دارد. در تعامل این سه بعد با هویت‌یافتگی عقیدتی و بین‌شخصی این سه بعد در صورتی هویت‌یافتگی را در جوانان به طور مثبت پیش‌بینی می‌کنند که هویت مدرن در آنان پایین باشد. در واقع اگر هویت مدرن بالا باشد، این سه بعد به طور منفی پیش‌بین هویت‌یافتگی هستند، بنابراین بایستی این سه بعد هویت دینی پایین باشد تا فرد به هویت‌یافتگی برسد. نتیجه‌ای که می‌توان از این یافته گرفت این است که به نظر می‌رسد در نسل جدید، هویت مدرن قابلیت سازگاری با هر یک از ابعاد باور دینی، وظایف دینی و جهت‌گیری سکولاریستی، جهت کاهش سردرگمی و رساندن فرد به هویت-یافتگی را ندارند. اما یافته‌ها نشان داد که بعد عواطف دینی (که محتویات این بعد را اخلاقیات تشکیل می‌دهد) عملاً هیچ‌گونه ناسازگاری با هویت مدرن جوانان ندارد و حتی تمایل به مثبت شدن نشان می‌دهد و به همین دلیل است که می‌تواند به شکل مستقیم و بدون ناسازگاری با هویت مدرن، هویت‌یافتگی را چه در حیطه عقیدتی و چه در حیطه بین‌شخصی پیش‌بینی کند. اما ابعاد دیگر هویت دینی فقط در صورت طرد مدرنیته (هویت مدرن پایین) می‌توانند هویت‌یافتگی را پیش-بینی کنند. لازم به ذکر است که محقق از طریق پیگیری جملات تعاملی ابعاد هویت دینی با هویت مدرن به این سازگاری یا ناسازگاری دست یافته است.

نسل جدید نمی‌تواند در جامعه‌ای که از عناصر سبک زندگی مدرن مملو شده است، تماماً بر اساس تفکر دینی خود رفتار کند (حاتمی، ۱۳۹۰). وی برای سازگار شدن (هویت‌یافتگی و در نتیجه رسیدن به بهزیستی ذهنی) با محیط متلون خود که در آن هم فضای دینی و هم فضای مدرن وجود دارد، بایستی به نوعی هم‌زیستی بین ابعاد هویت دینی و مدرن خود دست یابد. در واقع به جای طرد^۱ مدرنیته، به انطباق^۲ با آن برسد (برگر، ۱۹۶۷).

با توجه به یافته‌های این تحقیق، به نظر می‌رسد به میزانی که برداشت جوانان ایرانی از دین برداشتی اخلاق‌محور باشد، آنان ناسازگاری کمتری را با سبک زندگی مدرن و هویت مدرن خود تجربه می‌کنند و در نهایت به هویت‌یافتگی می‌رسند.

1 - rejection

2 - adaptation

توضیح اینکه، در حالی که سؤالات مربوط به خرده‌مقیاسهای باور و وظایف دینی و جهت‌گیری سکولاریستی به طور عمده به امور خاص دین اسلام و رابطه با خداوند و اولیای الهی مانند نماز، روزه، دعا، باور به قیامت، خمس، زیارت، مسجد و روحانیت پرداخته‌اند، سؤالات مربوط به خرده-مقیاس عواطف دینی، ماهیتی عمومی‌تر و فرادینی دارند. مانند بشردوستی، تعامل با طبیعت، خوش-رفتاری با حیوانات و عواطف نسبت به ذوی الحقوق (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۹). این مفاهیم اخلاقی عام، تضادی با مدرنیته و سبک زندگی مدرن ندارند (هایت و جوزف^۱، ۲۰۰۷) و سؤالات مربوط به عواطف دینی مانند تجارب معنوی و حب و بغض نسبت به مومنین و کفار در ذیل سوالات دو بعد باور و وظایف دینی گنجانده شده است. در نظریات مطرح دنیای غرب در حوزه روان‌شناسی اخلاقی، حوزه دین تنها یکی از ابعاد اخلاق در نظر گرفته شده است چنانکه در نظریه بنیادهای اخلاقی (هایت و جوزف، ۲۰۰۷) اخلاق دینی که ذیل بنیاد تقدس^۲ قرار داده شده است، یکی از پنج بنیاد اخلاقی مطرح شده می‌باشد. به نظر می‌رسد سؤالات مطرح شده در خرده‌مقیاس عواطف دینی خدایاری‌فرد (۱۳۸۹) با مفاهیم مراقبت^۳، عدالت^۴ که دو بنیاد از این پنج بنیاد اخلاقی هستند، همپوشی داشته باشند که اتفاقاً این دو بنیاد از زمان مدرن شدن جوامع غربی، نه تنها مطرود نشده‌اند، بلکه حتی مورد تأکید هم قرار گرفته‌اند و در واقع تضادی با اندیشه و سبک زندگی مدرن ندارند (هایت و گراهام، ۲۰۰۹). نکته بسیار مهم این است که دو بنیاد مراقبت و انصاف (عدالت) بنیادهای فردگرایانه هستند و سه بنیاد دیگر، یعنی وفاداری، اطاعت از مرجع قدرت و تقدس، بنیادهایی جمع‌گرایانه محسوب شده‌اند و از آنجا که جوامع غربی جوامع فردگرا و با تأکید بر خود^۵ هستند، لذا بنیادهای فردگرایانه بنیادهای غالب در تعریف اخلاق در جوامع غربی محسوب می‌شوند (هایت و جوزف، ۲۰۰۷).

به طور خلاصه، پژوهش حاضر نشان داد، در صورت پایبندی قوی جوانان به باورهای دینی، وظایف دینی و جهت‌گیری سکولار، در صورتی به هویت‌یافتگی نائل می‌شوند که در مقیاسهای هویت مدرن نمرات پایینی کسب کنند. لذا با توجه به یافته‌های به دست آمده در این تحقیق، جوانان برای رسیدن به هویت‌یافتگی و کاهش سردرگمی، به طور هشیارانه یا ناهشیارانه بعدی از هویت دینی را برجسته ساخته و بیشتر پذیرفته است که ماهیتی عقلانی دارد و لذا با هویت و سبک زندگی مدرن سازگاری بیشتری دارد. این عنصر دینی منتخب، اخلاقیات فردگرایانه است که ماهیتاً با عقل و خرد مدرن سازگار است (هایت و گراهام، ۲۰۰۹).

بنابراین با توجه به یافته‌های به دست آمده از این تحقیق - برخلاف نتیجه‌گیری حاتمی (۱۳۹۰) که عنوان می‌کند سازمان‌یافتگی هویت نسل جدید ایرانی از حالت سازمان‌یافتگی متحدالمرکز در

1 - Haidt & Joseph

2 - anctity

3 - care

4 - fairness

5 - self

حال تبدیل به سازمان‌یافتگی موزاییکی است- می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سازمان‌یافتگی هویت نسل جدید ایرانی در حال تغییر است و از حالت سازمان‌یافتگی متحدالمرکز (هویت سنگ-گونه) در حال تبدیل به سازمان‌یافتگی هویت پارادایم‌گونه است که به نظر می‌رسد راهکار مناسبی برای رسیدن به هویت‌یافتگی و خروج از تعارض بین هویت دینی و هویت مدرن در نسل جوان است.

پیشنهاد می‌شود در مورد ابعاد سازگار و ناسازگار هویت دینی و مدرن و علل روان‌شناختی این سازگاری یا ناسازگاری، تحقیقات کمی و کیفی بیشتری صورت گیرد تا بتوان به نحوه سازمان‌یافتگی جدیدی که نسل جدید بدان دست یافته‌اند اشراف بیشتری پیدا کرد. همچنین از آنجا که تحقیق حاتمی نشان داده که روابط بین هویت دینی و مدرن در سطح آشکار حافظه با سطح ضمنی حافظه در جوانان تفاوت معنی‌داری دارد، لذا پیشنهاد می‌شود که ابعاد هویت دینی و مدرن نیز در سطح حافظه ضمنی مورد بررسی قرار گیرد، چرا که حاتمی تنها نمره کلی هویت دینی و مدرن را در سطح حافظه ضمنی مورد بررسی قرار داده و نه ابعاد این دو هویت را. قطعاً چنین تحقیقی اطلاعات دقیق‌تری در خصوص تعاملات ابعاد هویت دینی و هویت مدرن در متن پیش‌بینی هویت‌یافتگی به ما ارائه خواهد داد.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). مدرنیته و اندیشه انتقادی. تهران: انتشارات مرکز.
- حاتمی، امیرجلال. (۱۳۹۰). سازمان‌یافتگی شخصیت از منظر هویت‌های ملی، مذهبی و مدرن در دو نسل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- حاتمی، جواد. (۱۳۸۸). خویشتن. تهران: نشر تبلور.
- خدایاری‌فرد، محمد. (۱۳۸۹). مدل سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناسی، ۱، ۱-۲۴.
- رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۰). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۵۸، ۴۷۷-۵۰۰.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۳). رازدانی، روشنفکری و دینداری. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی صراط.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۲). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. تهران: نشر پژوهش فرزانه روز.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۶). بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته. نامه علوم اجتماعی، ۳۰، ۳۳-۶۲.

- صنیع اجلال، مریم. (۱۳۸۴). درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- کاظمی، عباس. (۱۳۸۸). سنجه‌های دینداری در ایران. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۳). بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۹، ۸۸-۱۱۹.
- Andrew, G.L., Antony, S.R., Bruder, M., & Lee, S. (2011). We feel, therefore we are: emotion as a basis for self-categorization and social action. *Journal of American psychological association*, 4, 754-767.
- Benedict, R. (1989). *The chrysanthemum and sword: Patterns of Japanese culture*. Massachusetts: Houghton Mifflin.
- Bennion, H., & Adams, G.R. (1989). *Objective Measure of Ego Identity Status: A Reference Manual*. (2nd ed). Adams, Laboratory for Research on Adolescence. Guelph university, Ontario).
- Berger, P.L. (1967). *The Sacred Canopy: The Elements of a Sociological Theory of Religion*. Garden City: Doubleday.
- Berry, J.W., & Marshall, S.H. (2002). *Cross-cultural psychology*. Cambridge University Press.
- Bukobza, G. (2006). The epistemological basis of selfhood. *New Ideas in Psychology*, 55, 402-410.
- Festinger, L. (1975). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Standard University Press.
- Hadden, J.K. (1987). Toward desacralizing secularization theory. *Social Forces*, 65, 587-611.
- Haidt, J., & Graham, J. (2009). *Planet of the Durkheimians, Where Community, Authority, and Sacredness are Foundations of Morality*. Stanford, CA: Standard University Press.
- Haidt, J., & Joseph, C. (2007). The moral mind: How 5 sets of innate moral intuitions guide the development of many culture-specific virtues, and perhaps even modules. Stanford, CA: Standard University Press.
- Kan, C., Karasava, M., & Kitayam, S. (2009). Minimalist in style: Self, identity, and well-being in Japan. *Journal of Self and Identity*, 8, 300-317.
- Khanafiah, D., & Situngkir, H. (2004). Social Balance Theory: Revisiting Heider's Balance Theory for many agents. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 1464-1480.
- Tajfel, H. (1975). Social psychology of intergroup relations. *Annual Review of Psychology*, 33, 1-59.
- Woodhead, L., & Heelas, P. (2000). *Religion in Modern Times*. Blackwell: Oxford.